

مرز ما دریای سند است، و خط دیورند برای صد سال بوده ؛

چند روز پیش، شیر احمد کریمی، لوی درستیز افغانستان (بالاترین مقام نظامی پس از ریس جمهور) در برنامه تلویزیون طلوع به صراحت گفت که "مرز ما دریای سند است، و خط دیورند برای صد سال بوده. ؛

در ۵ سالی که گذشته همچنان این مساله خط دیورند سر زبانها افتیده بود- من شما را بخواندن مقالهای در همین مورد دعوت مینمایم

دعوت به خواندن دو معاهده :

معاهده گندگ و معاهده دیورند !

تازه ترین خبر را برنامه داوود سلطان زوی در اخبار طلوع ببینید

**TOLOnews.com _13 _07 _2011_DAOUDD
_SULATNZOY**



http://www.youtube.com/watch?feature=player_embedded&v=NSgaazqEsHw

"شورای قبایلی مرزی آغاز به کار کرد"

با امضای یادداشت تفاهم همکاری میان پاکستان و افغانستان، شورای قبایلی مرزی برای حل مسایل مورد اختلاف دو کشور آغاز به کار کرد. سرتاج احمدخان شهردار بخش چترال در شمال غربی پاکستان و لالی امیر عضو مجلس ایالتی افغانستان به عنوان رییس هیاتهای مذاکره کننده، این یادداشت تفاهم را امضا کردند. این شورا، به مسایل مورد اختلاف، تردهای غیرمجاز مرزی و مسایل مربوط به آن رسیدگی خواهد کرد. این گزارش حاکی است که هیاتهای یادشده در مرز دو کشور دیدار و درباره بررسی قوانین مرزی تبادل نظر کردند. با امضا این یادداشت تفاهم یک کمیته تشکیل خواهد شد تا هر دو ماه یک بار روابط و امور مشترک مورد علاقه دو کشور را بررسی کند. در بخشی از این یادداشت تفاهم آمده است: مهاجران افغان که قصد عبور از مرز را دارند، قبل از ورود به خاک پاکستان کارت شناسایی دریافت خواهند کرد. همچنین توافق شد که قبل از هر گونه عملیات و اقدامی علیه عبورکنندگان غیرقانونی از مرز، به یکدیگر اطلاع رسانی شود. دو طرف توافق کردند که برای ساماندهی مرزها اقدامات لازم صورت گیرد. سرتاج احمدخان شهردار بخش چترال در این مورد گفت: هر دو کشور فرهنگ و تاریخ مشترک دارند و برای برقراری امنیت در منطقه نباید به تروریست ها اجازه استفاده از خاک یکدیگر را بدهند. وی تصریح کرد که این یادداشت تفاهم برای برقراری امنیت در شهرهای مرزی حائز اهمیت است" (افغان نامه - 17 نوامبر 2006-11-17)

من تبصره بر خبر بالائی را بر آینده می گذارم و شمارا به خواندن پیش دو معاهده یکی گندمگ و دیگری دیورند دعوت مینمایم. تا باخواندن دو معاهده بتوانیم در مورد صحبت های روان ای کنونی نظری نسبتا دقیق تر داشته باشیم.

در این شب و روز گپ در مورد خط دیورند در تمام محافل سیاسی افغانستان و پاکستان سر زبانهاست.

من میکوشم با انتشار مجدد معاهده گندمگ و دیورند توجه همه مورخین، فرزندگان و فرهیختگان افغانستان را جلب نمایم و آرزو مندم تا در جریان برگزاری جلسه میان قبائل دو طرف دیورند و تداوم

جلسه میان افغانستان – ناتو و پاکستان این مساله یکبار دیگر آنطوریکه در خط و نوشت بوده است، مورد ارزیابی مجدد قرار گیرد تا بسیاری از صاحب نظران و نمایندگان در جلسات با داشتن اسناد موثق بتوانند ابراز نظر نمایند .

همچنان خواندن یک اثر مهم بنام " افغانستان در راه آزادی " را که ترتیب کنندگان اش نجیب الله توریانا و عبد الشکور حکم بوده و این اثر در بر گیرنده مقالات :

محمد نجیم آریا

احمد علی کهزاد

م.ع.م

محمد هاشم میوند وال

عبد الروف بینوا

احمد علی کهزاد و سیدال یوسف زائی

میر غلام محمد غبار

میر محمد صدیق فرهنگ

و عبد الهادی داوی

میباشد و در 392 صفحه توسط کتابفروشی فضل در سال 1378 در یک هزار نسخه بچاپ رسیده است ، به همه عزیزان علاقمند این بحث پیشنهاد مینمایم.

امیدوارم که ناشرین ارجمند ما یکبار دیگر این کتاب گرانمایه را باز هم تجدید چاپ نمایند تا تمام بحث های رسمی افغانستان و پاکستان پیرامون خط دیورند بر همه علاقمندان روشن گردد.

این شما را به خواندن معاهده گندمگ جلب مینمایم :

معاهده گندمگ

"این عهد نامه مبتنی بر شرایط ذیل بین حکومت برتانیه ووالاحضرت محمد یعقوب خان امیر افغانستان و متعلقات آن بغرض اقامه روابط صلح ودوستی منعقد گردید.

" 1- از روزیکه این عهد نامه به تصدیق طرفین میرسد ، بین حکومت برتانیه ووالاحضرت امیر افغانستان و متعلقات آن و جانشینان امیر ، صلح ودوستی دایمی برقرار خواهد بود .

2- والا حضرت امیر افغانستان و ملحقات آن متعهد میشود که بعد از تصدیق این معاهده اعلان عفو عمومی تمام آن کسان را صادر مینماید که در دوران جنگ به طرفداری اردوی انگلیس کار کرده اند. و اینها در هر درجه و مراتبی که باشند از مجازات و مصادمات محفوظ خواهند بود. (امثال سردار ولی محمد خان لاتی و غیره).

3- امیر افغانستان و ملحقات آن متعهد است که در روابط با حکومت های خارجی پابند مشوره با حکومت برتانیه بوده و با این حکومت عهدی نبندد و سلاح برضد شان نبرد دارد، و در صورت حمله خارجی، امداد نظامی و اسلحه و پول انگلیسی بغيرض دفاع طوریکه انگلیس مناسب داند استعمال خواهد شد.

سپاه انگلیسی بعد از انجام کار دفاع، از افغانستان به قلمرو برتانوی مراجعت خواهد نمود.

4- برای حفظ ارتباط نزدیک بین حکومت برتانیه و والا حضرت و هم بغيرض حفظ سرحدات مقبوضات والا حضرت، طرفین متعهد میشوند که در کابل یک نماینده انگلیسی با دسته نظامی محافظ در منزل شایان شان خود مقیم خواهند شد. در صورت یک معامله مهم خارجی، برتانیه حق دارد که در سرحدات افغانستان نمایندگان انگلیسی و عساکر محافظ اعزام نماید. در موقع ضروری که مفاد طرفین متصور باشد، والا حضرت امیر افغانستان هم میتواند نماینده ئی بدربار گورنر جنرال مقیم نماید، همچنین در سایر جاهای هند که رضای طرفین باشد.

5- حفاظت نمایندگان انگلیسی به عهده والا حضرت امیر افغانستان و ملحقات آنست. حکومت انگلیس متعهد است که نمایندگان او در امور داخلی افغانستان مداخله ننمایند.

6- والا حضرت امیر افغانستان و ملحقات آن از طرف خود و جانشینان خود متعهد میشود که برای رفت و آمد اتباع برتانیه در افغانستان مشکل تراشی ننماید تا محفوظ بوده و تجارت نمایند.

7- چون تجارت بین طرفین بطور مسلسل جاریست، والا حضرت امیر افغانستان تعهد میکند که برای حفظ تجار و تسهیل مال التجاره در شاهراه های عمومی، سعی بلیغ بکار برد و در حفظ راه ها بکوشد. برای ترقی تجارت و انتظام راه ها و مالیات تجارتي و غیره، یک قرارداد تجارتي جداگانه در طول یکسال بسته خواهد شد.

8- بغيرض تسهیل در روابط تجارتي و آمد و رفت، طرفین متعهد هستند که از کرم تا کابل یک خط تیلیگراف بمصرف برتانیه کشیده شده و امیر افغانستان آن را حفاظت نماید.

9- چون بین هر دو حکومت طبق این معاهده دوستی برقرار شده است، حکومت برتانیه شهرهای قندهار و جلال آباد و علاقه هائی را که اکنون تحت اشغال قشون برتانوی قرار دارد تخلیه کرده و واپس میسپارد، به استثنای کرم، پشین و سیبی _ (طبق نقشه ملحقه) که تحت تسلط و انتظام برتانیه است، اما این سلطه دایمی نبوده. مالیات آن بعد از وضع

مصارف داخلی ، سالانه به امیر افغانستان پرداخته خواهد شد. حکومت برتانیه انتظام میچینی و خیبر را که بین پشاور و جلال آباد واقع است ، در دست خود میگیرد. و هم انتظام امور رفت و آمد قبایلی را که در این منطقه تعلق دارند ، برتانیه بدست خود خواهد داشت.

10- حکومت برتانیه بمرض امداد به والاحضرت امیر- تا اختیارات حقه خود را حاصل نماید - و هم در مقابل شرایط قبول شده این قرار داد تعهد میکند که سالانه ششصد هزار روپیه به امیر و جانشینان او بپردازد.

این عهد نامه در گندمگ بتاریخ 26 می 1879 مطابق 4 جمادی الثانی 1296 هجری منعقد گردید.

امضا امیر محمد یعقوب خان . امضای میجران کیوناری افسر سیاسی در امور مخصوص امضای لیتین (گورنر جنرال هند) .

این عهد نامه بروز جمعه 30 می 1879 در سمله از طرف وایسرای و گورنر جنرال هندوستان تصدیق شد . امضای ای. سی . لیال سکرتری خارجه حکومت هند . "

برگرفته شده از صفحه 610 و 611 کتاب افغانستان در مسیر تاریخ اثر شادروان میر غلام محمد غبار.. جلد یک .

تبصره غبار بر این معاهده :

"بدینطریق امیر محمد یعقوب خان یک سلسله جبال صعب العبور را با ساکنین دلیر آن که سپر افغانستان در شرق کشور بمقابل هجوم استعمار بود ، با علاقه کرم تا ابتدای جاجی ، دره هیبتناک خیبر تا کناره شرقی هفت چاه ، لندی کوتل و سیبی و پشین را تا کوه کوژک و استقلال کشور افغانستان یکجاو رسماً به دشمن تسلیم نمود و دست اجنبی را در داخل افغانستان آزاد گذاشت.

کیوناری مغرورانه به لیتن نوشت که :

این معاهده را طوری با امیر یعقوب خان انجام داده است ، گویا اینکه بایک قبیلہ ئی در سرحد انجام گرفته است. لیتن در هند و کابینه دیز ریلی در لندن از شادی این فتح عظیم و سهل الحصول که شاهرگهای حیاتی سوق الجیشی افغانستان _ (بولان ، پیوار و خیبر) در دسترس انگلیس گذاشته بود ، جشن گرفتند. دیزرائیلی که بعد از امر مارش در افغانستان در پارلمان لندن اظهار کرده بود :

مقصد از جنگ و هجوم انگلیس در افغانستان تصحیح سرحدات است. اینک بمقصد رسیده بود " _ (صفحه 611 افغانستان در مسیر تاریخ - جلد یک نوشته میر غلام محمد غبار)

معاهده دیورند

معاهده اول:

" معاهده مابین جناب امیر عبد الرحمن خان جی، سی، اس، ای - امیر افغانستان و حدود متعلقه آن در یک طرف و سر هنری مارتیمر دیورند کی، سی، ای، ائی، ای، سی، ای فارن سکرتری دولت عالی هند و نایب و وکیل از جانب دولت عالی طرف دیگر.

" از آنجائیکه بعضی مساله ها به نسبت سرحد افغانستان بطرف هندوستان برپا شده اند ولی چنانچه هم جناب امیر صاحب و هم دولت عالی هند خواهش انفصال این مسئله بطریق اتفاق دوستانه دارند و خواهش تقرر و تعیین حدود دایره تسلط و اقتدار خود شان دارند تا که در آینده هیچ اختلاف رای و خیال در امر مزبور بین این دو دولت هم عهد و هم پیمان وقوع نیابد، پس بوسیله این نوشته معاهده حسب ذیل نموده شد.

" 1- حد شرقی و جنوبی مملکت جناب امیر صاحب از واخان تا سرحد ایرانی به درازی خط که در نقشه کشیده شده و آن نقشه همراه عهد نامه ملحق است، خواهد رفت.

2- دولت عالی هند در ملک های که آنطرف این خط به جانب افغانستان واقع میباشند هیچ وقت مداخله و دست اندازی نخواهند کرد و جناب امیر صاحب نیز در ملک های که بیرون این خط بطرف هندوستان واقع میباشند، هیچوقت مداخله و دست اندازی نخواهند نمود.

3- پس دولت بهیه برتانیه متعهد میشوند که جناب امیر صاحب اسمار و وادی بالای آنرا تا چنگ در قبضه خود بدارند و طرف دیگر جناب امیر صاحب متعهد میشوند که هیچ وقت در سوات و باجور و چترال معه وادی ارنوی یا با شکل مداخلت و دست اندازی نخواهند کرد. دولت بهیه برتانیه نیز متعهد میشوند که ملک برم را چنانکه در نقشه مفصل که به جناب امیر صاحب واگذار نموده شود. جناب امیر صاحب دستبردار از ادعای خود به باقی ملت و داور میباشند و نیز دستبردار از ادعای خود به چاگی میباشند.

4- این خط سرحد بندی بعد از این به تفصیل نهاده و نشان کاری آن هر جاکه ممکن و مطلوب باشد بتوسط برتش و افغانی کمشنران کرده خواهد شد و مراد و مقصد کمشنران مذکور این خواهد بود که به اتفاق یکدیگر بیک سرحد موافقت نمایند و آن سرحد حتی الا

مکان بعینه مطابق حد بندی که در نقشه که همراه این معاهده ملحق است باید بشود. لیکن محلیه حقوق موجوده دهات که بقرب سرحدی میباشند در مد نظر داشته شوند.

5- به نسبت مسئله چمن جناب امیر صاحب از اغراض خود بر چهاونی جدید انگریزی دستبردار میباشند و حقوق خود را که در اب سرکی تلری بذریعه خرید حاصل نموده اند بدولت برتانیه تسلیم مینمایند. برین حصه سرحد حد بندی به حسب ذیل کشیده خواهد شد :

خط سرحد بندی از سر کوه سلسله خواجه عمران نزدیک پشا کوتل که در حد ملک انگریزی میباشد این طور میروود که مرغه چمن نو و تهانه افغانی مشهور در آنجا بنام لشکر دند میگردد. بعد از اینکه این خط حد عدل مابین ریلوی ستیشن و کوهچه بمیان بلاک میروود و بطرف جنوب گشته شامل سلسله کوه خواجه عمران میشود و تهانه گواشه را در ملک انگریزی میگذارد و راه را که بطرف شوراوک از جانب مغرب و جنوب گواشه میروود بتعلق افغانستان میگذارد ، دولت بهیه برتانیه هیچ مداخلت تا به فاصله نصف از راه مزبور نخواهد نمود.

6- شرایط مزبوره این عهد نامه را دولت عالییه هند و جناب امیر صاحب افغانستان اینطور تصور میکنند که این یک کامل و خاطر خواه فیصله جمیع اصل اختلاف رای و خیال که در بین ایشان به نسبت سرحد مذکور بوده اند، میباشد. و هم دولت عالییه هند و هم جناب امیر صاحب بر ذمه خود میگیرند که انفصال هر اختلافات فقرات جزئی به مثال آن نوع اختلافات که بر آن در آینده افسر های مقرره جهت علامت نهی خط حد بندی غور و فکر خواهند نمود، بطریق دوستانه نموده خواهد شد تا که برای آینده حتی الامکان جمیع اسباب شک و شبهه و غلط فهمی ما بین دو دولت برداشته و دور کرده شود.

7- چونکه دولت عالییه هند از نیک نیتی جناب امیر صاحب به نسبت دولت بهیه برتانیه تشفی و اطمینان خاطر بطور کمال دارند و خواهش دارند که افغانستان را در حالت خود مختاری و استقلال و قوت ببینند لهذا دولت مومی الیه هیچ ایراد و اعتراض بر امیر صاحب در باب خریدن و آوردن اسباب جنگ در ملک خود نخواهند کرد و خود دولت موصوف چیزی معاونت و امداد بعطیهء اسباب جنگ خواهند نمود. علاوه براین جهت اظهار اعتراف خود شان نسبت به طریقه دوستانه که جناب امیر صاحب در این گفتگو و معامله ظاهر ساخته اند ، دولت عالییه هند قرار میدهند که بران وجه عطیه سالانه دوازده لک روپیه که الان بجناب ممدوح داده میشود، شش لک روپیه سالانه مزید نموده شود. المرقوم 12 نوامبر 1893 مطابق 2 جمادی الاول 1311 هجری."

(معاهده دوم)

" مابین جناب امیر عبدالرحمن خان جی، سی ، اس، ای امیر افغانستان و حدود متعلقه آن در یکطرف ، سر هنری مارتیمر دیورند کی، سی، آی، ای، س ، اس، ای فارن سکرتری دولت عالییه هند ونایب ووکیل از جانب دولت عالییه طرف دیگر . از آنجاکه دولت بهیه برتانیه به جناب امیر صاحب اظهار داشته اند که دولت روس اصرار میکنند از برای

ایفای کامل عهدنامه 1873 مابین روس و انگلند که بواسطه آن قرارداد انفصال یافته بود که رود اکسوس یعنی دریای آمو از لیک ویکتوریه (مشهور به سرکول) به طرف مشرق تا ملحق گاه رود کوچکه با رود اکسوس باید سرحد شمالی افغانستان باشد و چنانچه دولت بهیه برطانیه تصور مینماید که بر خود شان واجب است که عمل موافق شرایط این عهد نامه نمایند ، هرگاه دولت روس نیز بقرار شرایط مذکور عمل کنند، لهذا جناب امیر عبدالرحمن خان جی ، سی ، اس ، ای امیر افغانستان و حدود متعلقه آن از برای اظهار دوستی خود با دولت بهیه برطانیه در اموراتیکه داخل تعلقات خود با دولت های خارجه دارند ، بوسیله این نوشته قبول مینمایند و راضی میباشند که ممدوح تمام علاقه جاتیکه طرف شمالی این حصه رود اکسوس که در قبضه خود دارند تخلیه نمایند ، براین فهمیدگی و دانستگی صریح که تمام علاقه جات طرف جنوب این حصه رود اکسوس میباشند و الان در قبضه و تصرف جناب ممدوح نیستند ، جناب محتشم الیه را در عوض داده و تسلیم نموده شوند .

" و سر هنری مارتیمر دیورند ، کی ، سی ، ای ، سی ، اس ، ای فارن سکرتری دولت عالیه هند بواسطه این نوشته از جانب دولت بهیه برطانیه اقرار و اعتراف مینمایند که تحویل و تسلیم نمودن علاقه جات مذبوره واقع طرف جنوب رود اکسوس بجناب امیر صاحب یک شرط واجب واصلی این تدبیر و معامله میباشد و متعهد میشوند که بنده بست ها همراه دولت روس جهت تحویل و تسلیم نمودن علاقه جات مذکور شمالی و جنوبی دریای آمویه (یعنی اکسوس) کرده خواهند شد . فقط المرقوم 12 ماه نوامبر 1893 عیسوی مطابق 2 جمادی الاول 1311 هجری " _ (اقتباس از کتاب افغانستان در مسیر تاریخ جلد یک - اثر میر غلام محمد غبار - صفحه 690 و 691 و 692)

تبصره غبار :

انگلیسها قبل از آنکه معاهده دیورند را پیش کشید، اوضاع را به نفع خود در طول سرحدات افغانستان مغشوش ساخته و باعث خونریزی های بسیاری بین اهالی گردیده بودند، و سعی میکردند که در اصلاح این فتنه ها بیشتر خود شانرا مرجع مصلح و خیر خواه مردم نشان دهند ، چنانکه قسمتی از مردم توری را واداشتند تا جوی جدیدی در زمین دیگران (زمین پتالا) حفر کردند و مردم بدفاع برخاستند و زد و خورد های بسیاری واقع شد . در جبهه شرق نیز انگلیسها اعلاناتی منتشر ساختند که به معاش خواران سرحدی افغانستان ، دولت انگلیس دوچند معاش میپردازد بشرطیکه اطاعت نامه ئی بنام دولت انگلیس بنویسند. وقتیکه امیر عبدالرحمن خان این اعلانات را بخواند فقط به سپهسالار خود در ننگرهار نوشت که اگر انگلیس ها به فسانه و فسون و زر پاشی در بین ملت اسلام نفاق نمی انداخت چگونه میتواندست ممالک اسلامی کشور هند را گرفته از نهر سند که سرحد ذاتی افغانستان است پیش آمده پشاور و دیره جات و سند را بگیرد و اراضی افغانستان را با دولت افغانستان تقسیم نماید.

همچنین انگلیس ها در سرحد ننگرهار نیز مردم را تحریک به حفر جوی جدیدی در موضع موچنی نموده و " گل رابه آب دادند " و آتش عدوان را بین مردم برافروختند . این فتنه انگیزی نیز دوامدار بود و سعی میکرد بین افغانهای دو طرف حدود توسط خائنین اجیر خود زد و خورد تولید و امیر عبد الرحمن خان را بدفاع از افغانان علاقه مجبور سازد ، تا به تدریج نفوذ او در ماورای سرحد کاسته گردد . چنانکه در بین مردم شنوار و اتمان زائی دو طرفه حدود ، جنگی مشتعل ساخته شد و امیر بناچار امر هجوم به متجاوزین آن طرف حدود صادر کرد . انگلیسها داره های بواسطه دادن پول و تفنگ و جبا خانه در آن طرف سرحد تشکیل و به حمله در اینطرف خط اتصالا پرداخته میرفتند و در نتیجه کشت و خون و استخوان شکنی بین برادران هموطن ایجاد میکردند، و آنگاه فهرست های از اموال تلف شده مردم آنطرف حدود ترتیب کرده به حیث " وکیل خیر خواه مردم " از حکومت افغانستان طالب غرامات میشدند . انگلیسها بعد از تحمیل خط دیورند هم عامدا به حفظ سرحد اعتنا نکرده راه هارا باز میگذاشتند تا بسهولت بتوانند به تولید زد و خورد های برادران افغانی موفق شوند ووقایع ناگوار مجددا تکرار گردد.

انگلیسها با چنین دسایسی چند خطی از چند نفر بیوطن اجیر حاصل کرده و بطور سند و قباله به دیورند دادند که آنرا بکابل بنام سند اطاعت خانهای مردم بونیر و سوات و باجور ووزیری و غیره گفته به امیر عبد الرحمن خان پیش کند . عین این دسایس و اعلانات و رشوه دهی و جعل اسناد را حکومت انگلیس در طول سرحدات شرقی و جنوبی کشور عملی کرد . ولی توده های مردم در هر جا وعده های انگلیس را رد کردند و بعد از معاهده دیورند هم عملا نشان دادند که ایشان حب وطن و آزادی را برجان و مال خود ترجیح میدهند.

دیورند با شش نفر افسر (کلنل الیس ، دکتر فن، لفتننت سمت ، لفتننت مکمهان ، مستر دانالد و مستر کلارک) و 463 حیوان باربر و 324 نفر عمله براه خیبر داخل افغانستان شده و متعاقبا در کابل رسید . او در بگرامی از طرف یک کرنیل و یک تولی سواره و پنج کالسکه استقبال و در قصر چهلستون جاداده شد . شب از طرف شهزاده حبیب الله خان در مهمانی مدعو گردید و یکروز بعد در باغ حشمت خان منزل بیلاقی امیر عبد الرحمن خان به نزد امیر پیش شد . مقرر شده بود که دیورند با شش نفر اعضای هیئات در دربار امیر روی کرسی نشینند و سایر اعضا و مترجمین هندی بیای ایستاده مانند هیئت انگلیسی بعد از مختصر معرفی شدند و در روز های آینده مذاکرات شروع گردید.

مدت اقامت این هیئات در کابل متجاوز از چهل روز طول کشید و مذاکرات غیر دوستانه به سردی و کندی پیش رفت در حالیکه سپاه انگلیسی مقابل سرحد افغانستان تیاری بود . پیشنهاد انگلیس اینطور خلاصه میشد :

" یا بر عهد نامه مرتبه انگلیسی و نقشه مدونه انگلیس امضا گذاشته شود ، و یا مناسبات دولتین منقطع و به عبارت اصلی جنگ طرفین مشتعل خواهد شد، شق سوم وجود نداشت.

اینجا بود که امیر عبد الرحمن خان در معرض امتحان سختی واقع گردید و در نتیجه نشان داد که او طوریکه مردم افغانستان انتظار داشتند شخصیت آهنین و از خودگذری نیست. امیر عبدالرحمن در طی مذاکراتی که با دیورند نمود در افغانستان منتشر نگردید، بلغزید و یکبار دیگر در تاریخ مسئولیت بزرگی بر دوش گرفت.

او طایق معمول بدون رای گیری از مردم افغانستان و یا نمایندگان آنها و حتی بدون مشوره با مامورین و دربار خود بر این معاهده امضاء گذاشت. او چون مجلس مشوره خصوصی و یا جرگه عمومی تشکیل نکرده بود که نمایندگی از آرای مردم کند، لهذا بعد از امضای معاهده دربار بزرگی تشکیل نمود و حصار را در برابر یک امر واقع شده قرار داد. دیورند بسیار تر به تشکیل چنین یک دربار بزرگ و هم طبع و نشر فیصله نهائی مجلس مذاکرات خود در افغانستان اصرار داشت تا بر تصدیق این معاهده زهر دار و شوم صبغه قانونی دهد.

امیر عبد الرحمن خان در این دربار که هیئات انگلیس نیز حاضر بود نطق مفصلی ایراد کرد و در ضمن گفت:

" سایر ملل امور خود را منظم کردند الا افغانستان، چهارده سال است که من مصروف اصلاحاتم، هر ملتی در مقابل دشمنان خود دوستانی دارد مگر افغانستان امروز ما نیز دوست لایق و شریک در سود و زیان خود یافتیم (!) و لازم دیدم که حدود بین طرفین معیین و اختلافات جزئی رفع گردد، من با دولت انگلیس سخن گفتم و حدود شمالی مملکت شمارا بواسطه او با دولت روس تعیین نمودم، همچنین حد بندی مغرب مملکت شمارا با دولت ایران نمودم و اندک اشتراک سرحدی که با دولت ختای (چین) داشتیم بنامه و پیام معین گردید. در عهد سلطنت پادشاهان سابق خواه از عدم قابلیت سرکردگان افغانستان و خواه بواسطه خبط و خطای انگلیسها جنگهای واقع شد. ولی بعد از این ترک کینه دیرینه کرده باهم دوست شدیم، برای مبدل نشدن این دوستی به دشمنی لازم بود که حدود دولتین معیین گردد، پس بدون واسطه غیر در خانه خود دوستانه حدود خود را معیین نمودیم. دیورند و عده داده که در شمال کشور متصرفات ما در آنروی جیحون و متصرفات روسیه در این روی جیحون بهم معاوضه شده حق به حقدار برسد، همچنین از موضع جنگ به این سوی را که کافرستان نیز داخل آنست تا حد اسمار و حدیکه آب کنر از آنجا برمیخیزد تا کوهیکه سلسله آن جانب شرتن و مردم مهمند ممتد است و هکذا تا حد سیستان موسوم به کوه ملک سیاه - همه را روی نقشه معین نموده - بمن سپردند (!) و من از قوم وزیرری که سخن شنو نبودند دست برداشتم (!؟) و مردم فرمل را که با جدران پشت درپشت هم سکنا دارند به افغانستان گذاشتند و به این صورت تا سیستان تقسیم و تعیین و حدود امضاء یافته و بعد از این کمیشن های طرفین مامور خواهند شد که قطعات زمین مشترک رعایای طرفین را از هم جدا کرده بر نقاط فاصل مناره ها خواهند افراشت، دیورند در این مورد عهد نامه ئی به خط خود امضا کرده و بمن داده است که دولت انگلیس هیچگاه از خط فاصل سرحد به اینسو تخطی نخواهد کرد، منم وثیقه ئی به او دادم که از جانب دولت علیه مستقله افغانستان تجاوز متصرفانه بعمل نخواهد آمد..."

در پایان نطق امیر یک جوابیه فرمایشی که قبلا تهیه شده بود بنام شاملین دربار بدست امیر داده شد که شخصا قرائت کرد. در این جوابیه نخست یک مقدمه مذهبی مبنی بر وجوب اطاعت امر امیر نوشته شده و در فقره چهارم « چنین گفته شده بود :

" اعلیحضرت دوستی را به ملاحظه خیر ما ملت با دو دولت بزرگ بیگانه از کیش و آئین که در یسار و یمین مملکت ما جدید جا گزیده اند ، اختیار نموده ، فراخور حال با هریکی از هر دو رشته و داد و اتحاد را چنان منعقد فرمود که در هیچ آن و زمان از جانب ایشان تکلیف ملکی و ملتی بر ما نباشد و علاوه بر همه این تقسیم و تعیین حدود را که رواج عالم است و مجمل و مهمل گذاشتن آن باعث نزاع و لجاج امم ، بواسطه شایسته بنیاد نهاده در عهد نامه ها نگار داد که در هیچ وقت غم شریکی ما مردم و دولت انگلیسی منجر به نزاع نخواهد گشت ..."

در خاتمه این نوشته بنام مردم افغانستان سخن پردازی شده بود که :

" مردم علی الدوام مطیع امر و نهی پادشاه خود امیر عبدالرحمن خان بوده و هر بند و بست و پیوند و شکستی که با دول خارجه جهت اصلاح کار فرموده باشد سمعا و طاعتا و طوعا و لا کرها پذیراستند ..."

دیورند نیز بایستاد و چنین گفت :

" امیر صاحب فرمودند که در نفع و ضرر ما و شما شریکیم. این سخن سرایا حقیقت است که در سود و زیان باهم شریکیم. اکنون که امر سرحد فصل شد امیدوارم که روز بروز دوستی و دلگرمی زیاد خواهد شد، و یسرا طبق خبر تلگرافی از این فیصله اظهار خشنودی نموده و گفته است که امروز دوستی افغان و انگلیسی پخته و مشید گردیده و آینده پخته تر خواهد شد ، همچنین پارلمنت انگلیس از تحکیم این دوستی اظهار بشاشت کرده است. (سراج التواریخ جلد سه - از صفحه 946 تا 950).

(افغانستان در مسیر تاریخ جلد یک - نوشته میر غلام محمد غبار از صفحه 687 تا 690)

امیدوارم همه آنهاییکه خود را دارای صلاحیت در علم تاریخ میدانند و همه ای اهل سیاست در این شب و روز بسیار حساس و خطیر با مطالعه اسناد بکوشند تا راه های حل دقیق و تاریخی را بر مبنی اسناد مطرح سازند و در همه پیشنهادها منافع ملی - دموکراتیک مردم افغانستان را در حال و آینده دور و نزدیک مد نظر داشته باشند تا اینکه دولتمداران افغانستان فردا مانند امیر عبدالرحمن به فیصله فردی نرسند و یک مشت افرادی که به مداحی عادت کرده اند ؛ باز هم بنام مردم گویا از مردم نمایندگی نکرده و بر فیصله های خطیر تاریخی بخاطر یک شکم نان و یک مشت سیم وزر نتوانند صحه گذارند و نواسه ها و کواسه ها و نبیره های مردم افغانستان را باز هم به جار و جنجال گرفتار نسازند.

درست در همین ماه نوامبر یکصد و سه سال و چهار روز پیش از امروز معاهده دیورند در قصر چهلستون کابل امضا گردید و تاحال در یکصد و سه سال همه در پیرامون این معاهده سخن میگویند. همین حالا که این جملات را مینویسم باز صحبت در دوطرف خط دیورند رسماً ادامه دارد.

با انتشار مجدد معاهده گندمگ و دیورند خواستم تا رشته گسسته بحث تاریخی میان مردم ما بویژه جوانان کشور ما دوباره رونق بیابد و با پیشنهاد های دقیق و اصولی و سازنده از موضع منافع مردم بحث نمایندگان قبایل دوطرف خط تحمیلی دیورند در روشنی هر چه بیشتر قرار گیرد.

یار زنده و صحبت باقی